

اشاره:

بحث توسعه صادرات غیرنفتی همزمان با شروع اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۸ آغاز شد. اگرچه در ساختار این برنامه جایگاه واقعی برای صادرات غیرنفتی، عوامل مؤثر بر رشد صادرات و راه‌های رفع موانع آن پیش‌بینی نشده بود، اما هدف دستیابی به ۱۷/۸ میلیارد دلار درآمد ارزی از صدور کالاهای غیرنفتی مشخص گردیده بود.

با تمام ترفندهایی که در دوره اجرای برنامه اول برای رشد صادرات غیرنفتی منظور گردید، ارزش صادرات اقلام غیرنفتی در حدود ۱۲ میلیارد دلار ثبت شد و هدف برنامه محقق نگردید.

در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز بار دیگر بحث رشد صادرات غیرنفتی و هدف دستیابی به ۲۷/۵ میلیارد دلار درآمد ارزی از این بابت، مطرح گردید. اما با فرازونشیب‌هایی که در مقررات تجارت خارجی در اثر تصمیم‌گیری‌های متعدد به وجود آمد، تاکنون با هدف برنامه فاصله زیادی وجود دارد.

ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی از رقم ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ (پایان برنامه اول) به ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۴ و تقریباً به همین میزان در سال ۱۳۷۵ رسید. در حالی که در برنامه دوم انتظار می‌رفت در سال ۷۵ بیش از ۵/۵ میلیارد دلار درآمد از صدور کالاهای غیرنفتی عاید کشور گردد. چه عواملی تاکنون مانع رشد صادرات غیرنفتی بوده است؟ این سؤالی است که می‌بایست به درستی از سوی مسئولان، دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران صادرات کشور پاسخ داده شود.

با عنایت به این امر که طرح‌ریزی و اجرای برنامه اقتصاد بدون نفت در دستور کار دولت می‌باشد، اهمیت عملکرد صادرات غیرنفتی بیش از پیش محسوس می‌باشد.

در سال‌های اخیر مقررات مربوط به تجارت خارجی به‌ویژه صادرات غیرنفتی پیوسته تغییراتی داشته که اثر آن‌ها در آمار و ارقام ثبت شده برای صادرات غیرنفتی قابل مشاهده است.

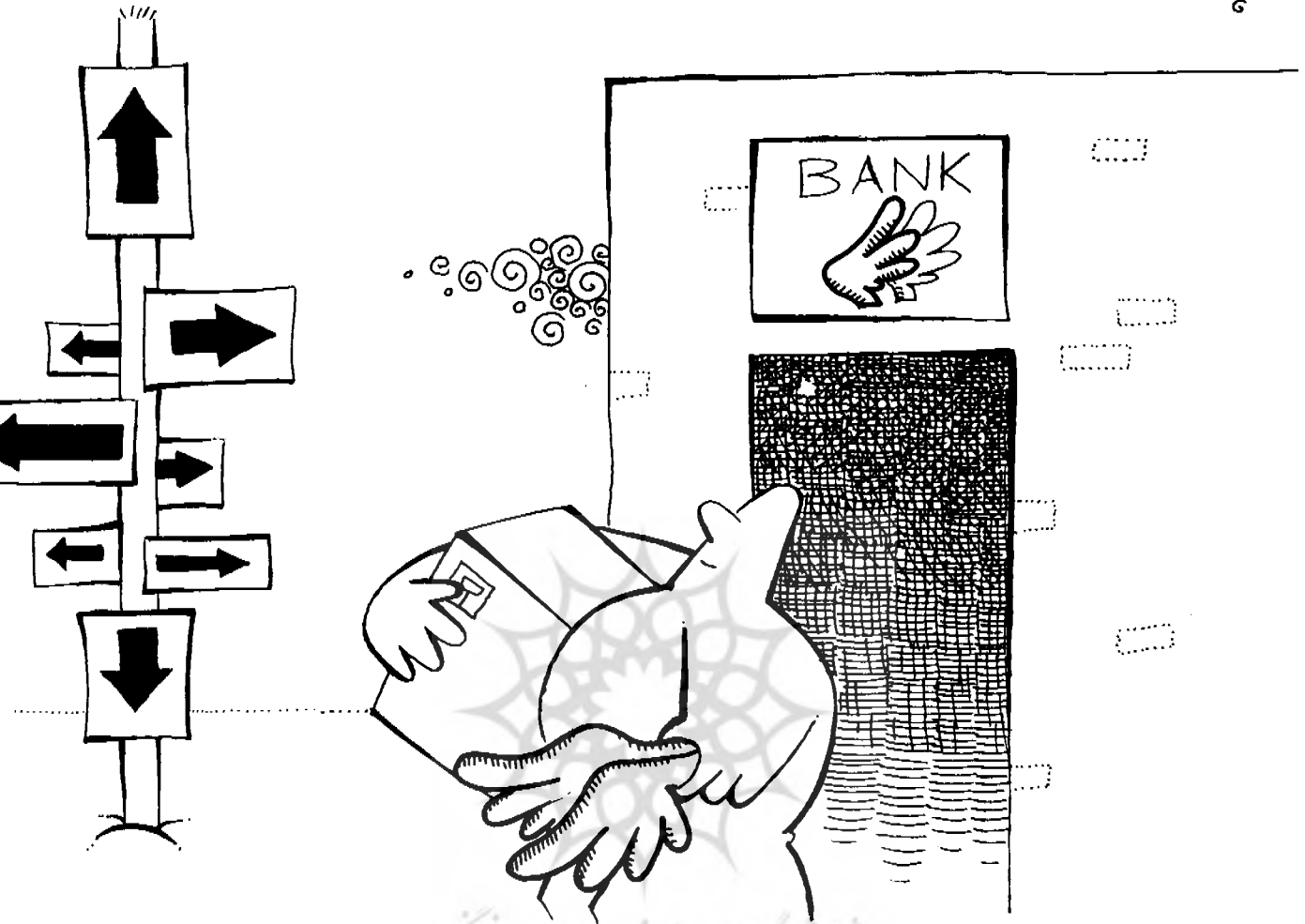
عمده‌ترین بحث «پیمان ارزی» است که مدام از سوی صادرکنندگان مطرح می‌شود. بررسی جایگاه صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران و نیز صادرکننده در فعالیت‌های اقتصادی، مزایا و معایب «پیمان‌سپاری» اهمیت به‌سزایی دارد که تلاش می‌شود در این گزارش بیان شود.

حیاتی نیست، به هیچ وجه به صلاح اقتصاد ایران نمی‌باشد. در نتیجه تنوع بخشیدن به درآمدهای ارزی از منابع مختلف می‌بایست مورد توجه ویژه مسئولان و سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد.

## جایگاه صادرات غیرنفتی و صادرکننده در اقتصاد ایران

وابستگی درآمدهای ارزی کشور به نفت در شرایطی که ثبات بازار نفت و قیمت آن در اختیار تولیدکنندگان این ماده

# پیمان ارزی؛ تنها مزیت، کنترل دولت بر صرف ارز حاصل از صادرات غیرنفتی



سیاست اصلاح ساختار اقتصادی که چند سالی است در ایران دنبال می‌شود، هرچند که توفیق‌هایی به‌دست آورده و با توجه به سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی انجام شده، بخش تولید را که موتور محرکه اقتصاد است تا حدودی سامان بخشیده، اما هنوز در پاره‌ای بخش‌ها مانند «تجارت خارجی» به‌طور کنگ و مبهم ادامه یافته است.

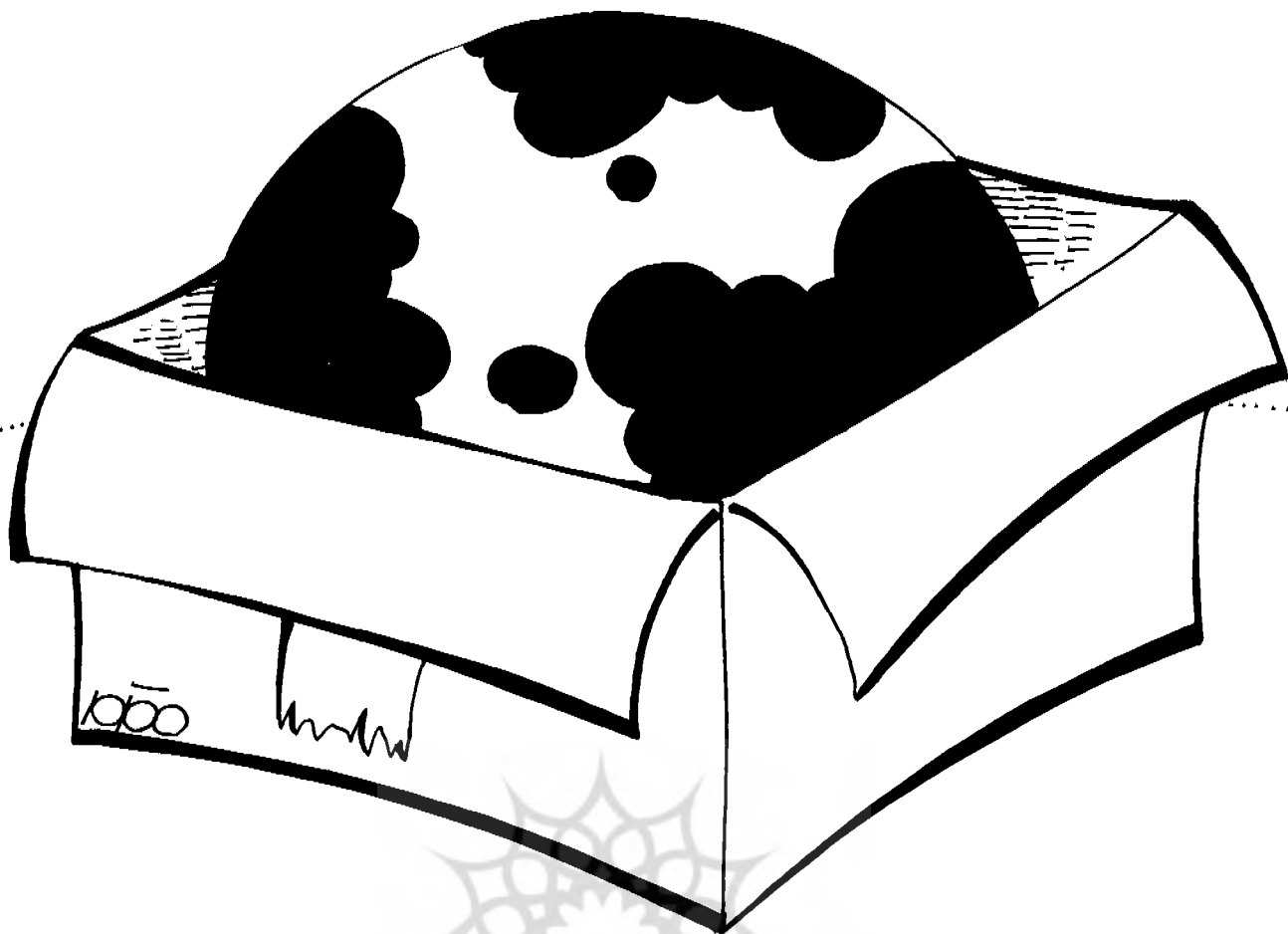
در مجموعه سیاست‌های اصلاح ساختار اقتصادی، آزادسازی تجاری جایگاه ویژه‌ای دارد. اما در ایران این آزادسازی برای مدت محدودی انجام شد و از آن‌جا که به‌عنوان یک سیاست راهبردی مطرح نبود، رها گردید.

در این میان جایگاه صادرات غیرنفتی در اقتصاد کشور روزبه‌روز سیر قهقرایی داشت و صادرکننده نیز متعاقب آن نتوانست به جایگاه واقعی در فعالیت‌های اقتصادی دست پیدا کند. متأسفانه هنوز در فرهنگ عامه این واقعیت جا نیفتاده است

صادرات غیرنفتی و کسب درآمد از ارایه کالاها و خدمات مختلف برای رهایی از وابستگی شدید به درآمد نفت ضرورتی غیرقابل انکار است. بالاین وصف در اقتصاد کشور خواه و ناخواه صادرات غیرنفتی جایگاه و اهمیت بالایی به‌دست آورده است، هرچند که تا رسیدن به این جایگاه فاصله زیادی وجود دارد.

○ **صادرات غیرنفتی خواه و ناخواه در اقتصاد ایران جایگاه والایی دارد، هرچند که تا رسیدن به آن هنوز فاصله زیادی وجود دارد.**

○ **سیاست اصلاح ساختار اقتصادی در بخش تجارت خارجی به‌ویژه صادرات غیرنفتی هنوز به‌صورت کنگ و مبهم دنبال می‌شود.**



**○ در بسیاری از جوامع، پاره‌های کالاها فقط برای صادرات تولید می‌شود و اقشار مختلف می‌دانند که برای کسب درآمد ارزی جهت تأمین نیازمندی‌های اساسی اقتصاد ملی، باید از مصرف برخی کالاها برای تخصیص آن‌ها به صادرات، صرف‌نظر کنند.**

که برای کسب درآمد ارزی لازم است بخش قابل‌توجهی از محصولات تولیدی در جامعه برای راه‌یابی به بازارهای جهانی اختصاص یابد و در مقابل سیاست صرفه‌جویی و الگوی مصرف صحیح در جامعه حکم‌فرما گردد.

عموم مردم بر این باور هستند که مازاد تولیدات داخلی (نسبت به تقاضا) می‌تواند صادر شود. درحالی که در بسیاری از جوامع برخی کالاها فقط برای صدور به بازارهای خارجی تولید می‌شوند و جامعه برای کسب درآمد ارزی جهت تأمین نیازمندی‌های اساسی اقتصادی، با روشن‌بینی موضوع «صادرات» را می‌نگرد و صادرکنندگان را افرادی صاحب فن می‌پندارد که قادر هستند ارتباطات بازرگانی مناسبی برقرار

سازند و محصولات تولیدی را در گوشه‌وکنار جهان به فروش رسانند. در مقابل، در ایران صادرکننده حکم فرد مزاحم را دارد که با اقدام به صدور کالا قصد دارد درآمد سرشاری برای خود کسب کند، هرچند که بار گرانی و کمبود عرضه را بر دوش مردم نهد.

تا زمانی که چنین باوری در اندهان عمومی باشد، نمی‌توان به رشد صادرات غیرنفتی خوش‌بین بود. این افکار شوم متأسفانه در سطوح بالای تصمیم‌گیری مسایل اقتصادی - تجاری نیز گاه‌گاهی دیده می‌شود که ماحصل آن را در تصمیم‌گیری‌های سریع، صدور بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های متعدد، تغییر پی‌درپی مقررات و ضوابط و ... می‌توان مشاهده نمود.

**○ جایگاه صادرات غیرنفتی و صادرکننده در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی سیر قهقرایی دارد. هنوز در فرهنگ عامه جایگاه صادرات غیرنفتی و صادرکننده جا نیفتاده است.**

سیاست آزمون و خطا رها گردد. در هر زمینه بررسی‌های کارشناسی همه‌جانبه صورت بگیرد. مزایا و معایب هر اقدامی از پیش برآورد شده و سپس طرح جامع برای فعالیت تجارت خارجی تدوین و مقررات لازم تنظیم گردد. این مقررات می‌بایست از دوره دوام طولانی برخوردار گردد تا رشد صادرات غیرنفتی را محقق سازد. هرچند که برخی صادرکنندگان نسبت به بقا و دوام قوانین و ضوابط هنوز نیز خوش‌بین نیستند و نمی‌توانند حتی برنامه میان مدت برای فعالیت خود طراحی کنند.

### ○ با آزادسازی تجاری در جریان اجرای برنامه اول، ارزش صادرات غیرنفتی از حدود یک میلیارد دلار در سال ۶۸ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۷۳ افزایش یافت.

#### لغو و برقراری پیمان ارزی

در جریان آزادسازی تجارت خارجی در سال‌های نخست اجرای برنامه اول، سپردن پیمان ارزی برای صادرکنندگان لغو شد. متعاقب آن ارزش صادرات غیرنفتی سال به سال روند صعودی داشت و از حدود یک میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۲ رسید و تقریباً پنج برابر شد. این روند امیدوارکننده با تحولات ناخوشایندی که در بازار غیرمجاز ارز رخ داد متوقف گردید. در اوایل سال ۱۳۷۴ نرخ ارز در بازار غیرمجاز سیر صعودی پیدا کرد و در اردیبهشت ۷۴ به بیش از هر دلار معادل ۷۰۰۰ ریال رسید.

### ○ رشد و توسعه پایدار اقتصادی به رونق سرمایه‌گذاری، تداوم گردش چرخ‌های تولید و توجه به بازارهای خارجی، نیاز دارد و به همین جهت تحرک بخشیدن به صادرات غیرنفتی الزامی است.

ستاد تنظیم بازار ارز به منظور جلوگیری از افزایش بی‌رویه ارزش ارزهای معتبر در مقابل ریال و سقوط پی‌درپی ارزش ریال، سیاست‌های جدیدی اتخاذ کرد که به کلی با سیاست آزادسازی تجاری، مغایرت داشت.

در جریان اتخاذ سیاست‌های جدید، مکانیزم بازار (عرضه و تقاضا) رها شد و سیاست مهار نرخ ارز و به عبارت دیگر

### ○ در جوامع پیشرفته، صادرکنندگان افرادی صاحب فن که قادر هستند که ارتباطات بازرگانی مناسبی برقرار کنند و دسترنج کارگران را به فروش رسانند تا تولید و اشتغال تداوم پیدا کند، تلقی می‌شوند. اما در ایران، صادرکننده فردی سودجو و تحمیل‌کننده کرانی و کمبود به مصرف‌کنندگان تصور می‌شود.

اگر تصور عمومی بر رونق صادرات غیرنفتی و رهایی واقعی از وابستگی به دلارهای نفتی استوار باشد، نخست حرکت فرهنگی عمیقی در جهت بیان ضرورت صادرات غیرنفتی و ارج نهادن به صادرکننده می‌بایست شکل گیرد. از سوی دیگر تفهیم این موضوع که رشد و توسعه پایدار اقتصادی نیازمند گردش چرخ‌های اقتصادی، رونق سرمایه‌گذاری، توجه به بازارهای خارجی (اقتصاد برون‌گرا) و ... است، برای تحرک بخشیدن به روند صادرات غیرنفتی، الزامی است.

#### تغییر قوانین و مقررات

سرمایه‌گذاری در هر پروژه‌ای (اعم از تولیدی یا تجاری) به بستری باثبات برای برنامه‌ریزی و فعالیت نیاز دارد. در سال‌های اخیر، این بستر مناسب و مساعد هیچ‌گاه برقرار نبوده، حتی برای یک دوره مالی کامل. چنین وضعی که برطرف ساختن آن نیز چندان دشوار نیست. متأسفانه سال‌هاست که وجود دارد و مسؤولان و سیاست‌گذاران اقتصاد کشور نسبت بدان توجهی ندارند.

### ○ تصور مردم بر این است که کالاهای مازاد بر نیاز داخلی باید صادر شود. چنین باوری نمی‌تواند به فرهنگ توسعه کمک کند.

اگر قرار است برنامه اقتصاد بدون نفت در کشور پیاده شود، نخستین گام می‌بایست در این زمینه برداشته شود که قوانین و مقررات از ثبات کافی برخوردار گردند. در غیر این صورت فعالیت‌های تجاری نمی‌تواند از دوام و توفیق برخوردار شده و گام به گام به پیش رود.

قانون حتی اگر از همه جوانب مفید نباشد، اما تغییر پی‌درپی آن آثار زیانبارتری به بار می‌آورد. وقت آن رسیده که

در مجموع صادرات غیرنفتی داشته است، درحالی که در سال ۷۴ بیشترین سهم صادرات، به صادرات کالاهای صنعتی اختصاص داشته است.

○ **سازمان برنامه و بودجه: باتوجه به عدم الزام صادرکننده به واریز مبلغ ارزی به سیستم بانکی هیچ‌گونه کنترلی نسبت به مصرف امور مربوطه وجود نداشت. اطلاعات موجود نشان می‌دهد از ۴۸۳۱ میلیون دلار ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۷۳ فقط ۴۶۸/۷ میلیون دلار از طریق بانک مرکزی صورت گرفته و با کنترل دولت مصرف شده است، درحالی که در سال ۷۴ قسمت عمده ارز حاصل از صادرات غیرنفتی با نظارت دولت به مصرف رسید.**

در این گزارش آمده است: در مورد صادرات کالاهای غیرنفتی باید توجه داشت که اگرچه به‌طور ظاهری میزان ارز حاصل شده در سال ۷۴ نسبت به سال ۷۳ کاهش دارد، اما نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته صادرات غیرنفتی به عارضه «زیادنامی» مبتلا بوده است.

به عبارت دیگر نظر به اینکه الزامی برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات وجود نداشت و همچنین صادرکننده می‌توانست با اتکای به مبلغ مذکور در پیمان‌نامه ارزی کالاهای موردنظر خود را وارد نماید، معمولاً ارقام مندرج در پیمان‌نامه با ارقام واقعی، فاصله نسبتاً زیادی داشت که این فاصله تا حدود ۳۰ درصد برآورده شده است.

○ **سازمان برنامه و بودجه می‌گوید آمارهای صادرات غیرنفتی تا سال ۷۳ «زیادنامی» شده است. پس آن‌ها قابل استناد نمی‌باشند. آمار سال‌های بعد نیز به‌لحاظ قاچاق صدور کالاهای غیرنفتی قابل اعتماد نیستند.**

در ادامه آمده است: باتوجه به عدم الزام صادرکننده به واریز مبلغ ارزی به سیستم بانکی، هیچ‌گونه کنترلی نسبت به مصرف امور مربوطه وجود نداشت، که این امر موجب پر شدن بازار از کالاهای مصرفی و لوکس خارجی شده بود، بدون آن‌که اثری در تسریع روند سرمایه‌گذاری و گسترش تولید در

○ **صادرکنندگان، نوسانات شدید نرخ ارز را مغل برنامه‌ریزی بلندمدت برای صادرات می‌دانند، اما تثبیت نرخ ارز برای دو سال متمادی در شرایطی که در این مدت سطح قیمت‌های داخلی تا حدود ۸۰ درصد افزایش یافته، به صلاح صادرات غیرنفتی نبوده و آن را کاهش داده است.**

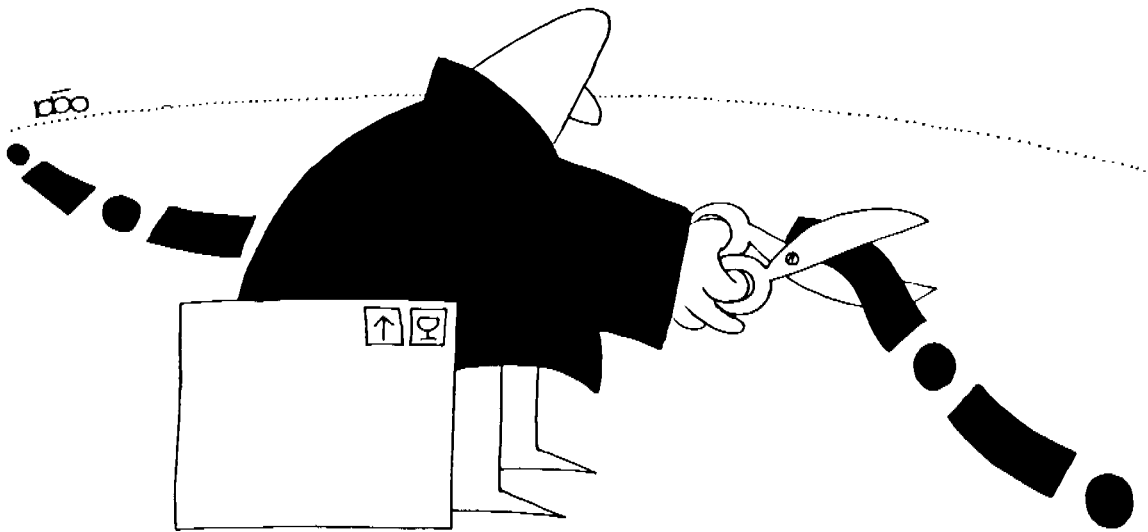
بازگشت به نظام چندنرخ ارز با محدودیت‌های نقل و انتقالات پولی، اعمال گردید. در این رهگذر صادرکنندگان نیز اشاره داشتند که اگرچه با کاهش ارزش ریال در مقابل ارزهای معتبر، قدرت رقابت تولیدات ایرانی در بازارهای خارجی تقویت می‌شود، لیکن افزایش مستمر نرخ ارز نیز نمی‌تواند برنامه‌ریزی دقیق امر صادرات را میسر سازد. آن‌ها به نرخ شناور هدایت شده ارز (در یک محدوده نوسانی) معتقد بودند. تصمیم ستاد تنظیم بازار مبنی بر اخذ پیمان ارزی از صادرکنندگان کالا در راستای سیاست‌های جدید تنظیم بازار به صادرات غیرنفتی شوک وارد کرد که ماحصل این امر را در کاهش سریع ارزش صادرات غیرنفتی از ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۷۳ به ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۷۴ و تقریباً همین میزان در سال ۷۵ می‌توان مشاهده کرد.

○ **اتخاذ سیاست‌های تنظیم بازار و ایجاد محدودیت برای صادرات (سپردن پیمان ارزی) به کاهش ارزش صادرات به سطح ۳/۲ میلیارد دلار در سال‌های ۷۴ و ۷۵ انجامید.**

**مزایا و معایب پیمان‌سپاری**

سازمان برنامه و بودجه در گزارش اقتصادی سال ۷۴ در فصل ششم، بخش بازرگانی و تعاون آورده است که صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۴ معادل ۳۲۲۷/۴ میلیون دلار بوده که سهم کالاهای کشاورزی، صنعتی، فرش و کالاهای معدنی به ترتیب ۲۳/۹، ۳۲/۹، ۲۸/۵ و ۱/۶ درصد و سهم سایر کالاها ۱۳ درصد می‌باشد.

ارزش دلاری صادرات غیرنفتی در سال ۷۴ نسبت به سال ۷۳ معادل ۲۷/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. این کاهش به جز صادرات کالاهای معدنی شامل سایر اقلام صادراتی می‌باشد. در سال ۱۳۷۳ صادرات فرش بیشترین سهم (۳۷/۶ درصد) را



کشور داشته باشد.

شواهدی که در دسترس می‌باشد (حمل فرش با پیمان ارزی بسیار کمتر از میزان واقعی در گمرک فرودگاه مهرآباد)، آمار و ارقام صادرات غیرنفتی در سال‌های ۷۴ و ۷۵ را نیز زیر سؤال می‌برد، درحالی که با لغو پیمان ارزی، انگیزه برای صدور کالا به صورت قاچاق از بین رفته بود.

اطلاعات موجود در این زمینه نشان می‌دهد که از ۴۸۳۱ میلیون دلار ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۳ صرفاً ۴۶۸/۷ میلیون دلار از طریق بانک مرکزی صورت گرفته و به عبارت دیگر با کنترل دولت مصرف شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۷۴ قسمت عمده ارز حاصله از صادرات غیرنفتی با نظارت دولت، به مصرف رسیده است.

**○ اگر صدور کالاهای غیرنفتی به نفع صادرکننده باشد، استمرار فعالیت باعث می‌شود که ارز به اقتصاد ملی برگردد. دولت باید انگیزه‌ها را تشویق کند و هدایت امر را به عهده بگیرد.**

**○ بهای کالاهای صادراتی در کشورهای پیشرفته کمتر از قیمت داخلی این کالاها می‌باشد تا انگیزه برای صادرات حفظ شود.**

مشکل اساسی در سپردن پیمان ارزی، غیرواقعی بودن سیستم قیمت‌گذاری محصولات ارزی، محدودیت دوره برگرداندن ارز و خرید ارز از سوی سیستم بانکی با نرخ ارز صادراتی که کمتر از نرخ بازار غیرمجاز بوده می‌باشد. با وجود تورم در اقتصاد ایران، ثبات نرخ ارز شناور در سال‌های ۷۴ و ۷۵ خود تهدیدی علیه صادرات غیرنفتی بوده است. در سال ۱۳۷۴ شاخص بهای کالاهای مصرفی تا ۴۹ درصد و در سال ۷۵ تا ۲۳ درصد افزایش داشت. به دیگر سخن کالایی

باتوجه به گزارش سازمان برنامه و بودجه باید گفت که به هیچیک از آمارهای صادرات غیرنفتی پیش از سپردن پیمان ارزی (سال ۷۴) نباید اعتماد داشت، درحالی که به آمارهای بعد نیز نباید اعتماد کرد، زیرا سپردن پیمان ارزی (به‌ویژه آن‌که در مورد برخی کالاها قیمت‌گذاری بیش از قیمت‌های واقعی در بازارهای خارجی بوده است) سبب شد که قاچاق کالا بار دیگر رونق پیدا کند.

میان نرخ ارز در بازار غیررسمی و سیستم بانکی وجود داشته، این ارز راهی بازار شده و از هدایت بانک مرکزی خارج می‌شده است. آیا چاره اخذ پیمان است، یا اصلاح نظام ارزی؟

از سوی دیگر، سیاست هدایت دولت به صرف منابع ارزی این‌گونه قابل اعمال است، یا راه‌های دیگری وجود دارد؟

آنچه مسلم است عمده‌ترین متقاضیان ارز، واحدهای تولیدی صنعتی می‌باشند، نه سوداگران. چنانچه دولت یارانه صادرات را ملحوظ بدارد و ارز حاصل از صادرات را با نرخ واقعی خریداری کند آیا صادرکننده که اعتماد ویژه‌ای به نظام بانکی و خدمات آن دارد، حاضر می‌شود ارز حاصل از صادرات را به سوداگران بفروشد؟

اگر نظام بانکی از کارایی لازم در ارائه خدمات به صادرکنندگان برخوردار باشد آیا نقل و انتقال ارز نمی‌تواند از طریق بانک‌های ایرانی و شعب آن‌ها در خارج و تحت هدایت دولت انجام پذیرد.

نظام نرخ ارز یکسان مزایایی دارد که می‌تواند پوشش لازم برای لغو پیمان ارزی که مانع توسعه صادرات است را از سر راه بردارد و صادرکنندگان را به فعالیت گسترده‌تر در بازارهای خارجی تشویق کند. ماحصل چنین امری به نفع اقتصاد ملی است. دولت با برخورداری از درآمد حاصل از صدور نفت می‌تواند هدایت کار را در دست بگیرد.

**○ اگر صادرکنندگان محصولات صنعتی از ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادراتشان بتوانند برای واردات اقلام مورد نیاز خود استفاده کنند، صنعت به سمت خوداتکایی هدایت می‌شود. محدودیت استفاده از ارز حاصل از صادرات صنعت، به نفع صنعت و صادرات غیرنفتی نیست.**

در سال گذشته موضوع استفاده از تمام ارز حاصل از صادرات فرش برای واردات کالاهای مشخص پذیرفته شد. این اقدام بخشی از مشکلات صادرکنندگان فرش را از سر راه برداشت، اما صادرکنندگان دیگر کالاها هنوز از چنین مزیتی برخوردار نیستند.

رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی علت این امر را ارزیابی محصولات صنعتی ذکر کرده است. درحالی که اگر صادرکنندگان محصولات صنعتی

که در ابتدای سال ۷۴ برای مثال ۱۰۰ ریال قیمت داشته، در پایان سال ۷۵ قیمت متوسط آن به بیش از ۱۸۰ ریال رسیده

**○ اصلاح نظام ارزی می‌تواند مشکلات تجارت خارجی به‌ویژه صادرات غیرنفتی را حل کند، بدون آن‌که صادرکننده ملزم به سپردن پیمان ارزی باشد.**

است. به همین ترتیب توان رقابت کالا در بازارهای خارجی کاهش یافته است.

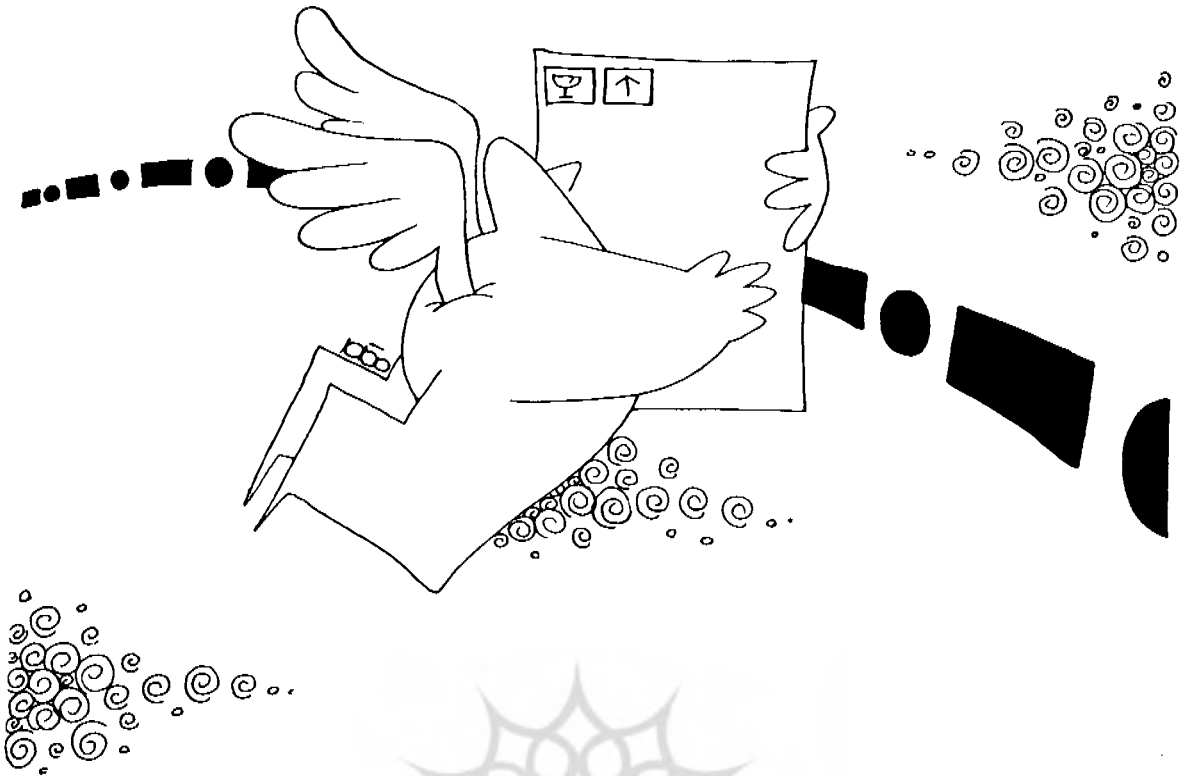
تثبیت نرخ ارز صادراتی، در شرایطی که اقتصاد جهانی حدود ۴ درصد تورم را پشت سر نهاده، قابلیت رقابت تولیدات را محدودتر نموده و یکی از عوامل کاهش ارزش صادرات غیرنفتی بوده است. از سوی دیگر صادرکننده که پیمان ارزی به بانک سپرده است ملزم می‌باشد که آن را بازپرداخت نماید و از آن‌جا که کالاها توان رقابت خود را (به دلیل افزایش قیمت‌های داخلی) از دست می‌داده‌اند، صادرکننده را با مشکل روبه‌رو نموده‌اند.

از سوی دیگر در کشورهای پیشرفته، صادرات از تشویق‌های ویژه‌ای برخوردار هستند و بهای کالاهای صادراتی معمولاً از نرخ کالاهای مشابه در بازار داخلی ارزان‌تر می‌باشند تا قدرت رقابت در بازارهای خارجی را داشته باشند. درحالی که با تعیین قیمت محصولات صادراتی در حدی بالاتر از قیمت‌های واقعی در بازارهای خارجی عملاً قدرت مانور صادرکننده را تحلیل برده است.

اما یک واقعیت در پیمان‌سپاری هست و آن نظارت بانک مرکزی بر نحوه هزینه شدن ارز حاصل از صادرات می‌باشد. باوجود معایبی که سپردن پیمان ارزی برای صادرات داشت، این امر از مزایای سپردن پیمان ارزی است. اما آیا راه‌های دیگری برای هدایت ارز حاصل از صادرات به اقتصاد ملی وجود ندارد؟

مسلماً اگر تجارت خارجی (صادرات کالاهای غیرنفتی) نفع قابل‌توجهی برای صادرکننده داشته باشد، استمرار فعالیت او را موجب خواهد شد و همین امر نیز بازگشت ارز به اقتصاد ملی می‌انجامد.

آنچه مسلم است، ارز حاصل از صادرات، پیش از برقراری مجدد پیمان ارزی نیز به اقتصاد کشور وارد می‌شود، اما از آن‌جا که نظام ارزی با اختلافاتی روبه‌رو بوده و تفاوت فاحشی



توسعه و رشد اقتصادی پایدار مفید واقع شود. اصلاح نظام ارزی و آزادسازی تجاری بخش‌هایی از این سیاست هستند که به فراموشی سپرده شده‌اند و لذا ضرورت دارد که بازنگری دقیقی در این زمینه صورت پذیرد.

با عنایت به این مهم که رشد صادرات غیرنفتی و جدا شدن از درآمد حاصل از صدور نفت، یگانه راه نجات اقتصاد ملی است، هموار ساختن مسیر صادرات عمده‌ترین وظیفه دولت تلقی می‌شود.

بتوانند از ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات خود برای واردات اقلام موردنیازشان بهره‌مند شوند، این امر از بار تعهدات ارزی دولت در زمینه تخصیص ارز به صنعت خواهد کاست و لذا به نفع صنعت و صادرات غیرنفتی (به‌ویژه صدور کالاهای صنعتی که از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در صادرات ——————

می‌باشد) است. لذا محدودیت استفاده از ارز مذکور قابل توجیه نمی‌باشد و صنعت را از خوداتکایی دور می‌سازد.

### ○ اصلاح نظام ارزی و آزادسازی تجاری بخشی از سیاست تعدیل ساختار اقتصادی است که به فراموشی سپرده شده است.

با وجود آنکه مسؤولان و سیاست‌گزاران اقتصاد کشور بر حفظ نرخ ارز صادراتی در سطح کنونی اصرار دارند، لغو پیمان ارزی یا استفاده از تمام ارز حاصل از صادرات غیرنفتی برای صادرکننده، می‌تواند گشایشی در امر صادرات ایجاد کند.

سیاست اصلاح ساختار اقتصادی، جوانب مختلفی دارد که در صورت توجه به تمام جوانب می‌تواند کارساز باشد، لذا پذیرش بخشی از سیاست واردات دیگر، نمی‌تواند در

